



چهارشنبه 5 شهریور 1393-30 شوال 1435 - 27 اگوست 2014

روز بزرگداشت «محمدبن زکریای رازی» دانشمند نامدار جهان اسلام و روز داروسازی...

* 5 شهریور در گذرتاریخ

* روز بزرگداشت «محمدبن زکریای رازی» دانشمند نامدار جهان اسلام و روز داروسازی
اشاره:

محمد بن زکریای رازی در سال 251 هجری قمری در شهر ری متولد شد. در اوان جوانی به فراگیری علم کیمیا و شیمی پرداخت و

در اثر بخار و دود ناشی از زرگری، چشم‌هایش ورم کرد و برای معالجه، نزد طبیبی رفت. آن طبیب پانصد اشرفی طلا

به عنوان حق معالجه از او گرفت و به رازی گفت: کیمیا همین است نه عملیات تو.

محمد بن زکریا، از آن پس ترک کیمیاگری کرد و در سن چهل سالگی به تحصیل طب پرداخت تا آن که مرجع تمامی اطبای زمان خود شد. شهرت او در میان همگان به حدی رسید که عرب‌ها او را طبیب المسلمین و به مناسبت این که کتاب‌های او به زبان عربی است، جالینوس العرب، خوانده‌اند.

رازی بعدها به سرپرستی بیمارستان‌های معروف عصر خود از قبیل بیمارستان بغداد و ری برگزیده شد. همچنین کشف الکحل از جمله نتایج تحقیقات او در کیمیا بوده است.

برای محمد بن زکریای رازی، 56 کتاب

در طب، 33 کتاب در علوم طبیعی، 17 کتاب در فلسفه، 14 کتاب در الهیات، 22 کتاب در کیمیا و ده‌ها اثر دیگر در علوم مختلف ذکر کرده‌اند که تا 184 عنوان بر شمرده شده است. سرانجام این دانشمند بزرگ مسلمان در 60 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و در ری مدفون گشت. سالروز تولد

این پزشک شهیر مسلمان و ایرانی، برابر با پنجم شهریور، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز بزرگداشت این شخصیت برجسته علمی نامگذاری شده است.

به پاسداشت مقام علم و دانش و گرامیداشت فرزندان ایران زمین، پنجم شهریور

سالروز ولادت ابوبکر محمد بن زکریای رازی از مشاهیر بزرگ جهان اسلام و علم طب و داروسازی، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز داروسازی نامگذاری شده است.

* استعفای دولت

«جمشید آموزگار» و تشکیل دولت عوام فریب «جعفر شریف امامی» (1357 ش)
اشاره:

پس از ناکامی دولت جمشید آموزگار در کنترل ناآرامی‌های مردمی علیه

رژیم پهلوی، محمدرضا شاه، جعفر شریف امامی، عامل سرسپرده خود را برای تشکیل دولت، مأمور کرد. وی قصد داشت تا با عوام فریبی، اعتراضات گسترده‌ای را که در سراسر کشور رو به فزونی می‌رفت، کنترل کند. بنابراین درصدد برآمد تا با دادن وعده‌های پوچ، مردم را آرام سازد. او در ابتدا دستور لغو تاریخ مجعول شاهی و جایگزینی تاریخ هجری

را صادر کرد و سپس فرمان تعطیلی قمارخانه‌ها را داد. شریف امامی کابینه خود را دولت آشتی ملی عنوان نمود و قصد داشت با ریاکاری خود را به علما نزدیک سازد. اما این کارها تأثیری بر انقلاب جوشان مردمی نداشت و برپایی اجتماع عظیم روز عید فطر سال 1357 و روزهای بعد، و نیز کشتار مردم تهران در جمعه خونین هفدهم شهریور، چهره واقعی او را آشکار ساخت. او که به دروغ، خود را دوستدار ملت می‌خواند تنها دوازده روز پس از کسب قدرت،

کشتار کم سابقه‌ای را در تهران به راه انداخت. وی سرانجام پس از قتل عام دانش‌آموزان و دانشجویان در سیزدهم آبان 57، با بر جای گذاشتن پرونده‌ای سیاه و ننگین و آغشته به خون ملت غیور و مسلمان ایران، مجبور به کناره‌گیری گردید.

* تعویض تاریخ موهوم شاهنشاهی به سال هجری شمسی (1357 ش)
اشاره:

محمد رضا پهلوی که می‌دانست

اتکای اصلی مخالفان رژیم، اسلام است، درصدد برآمده بود تا ریشه‌های این مکتب را خشک کند. به همین جهت در شهریور سال 1354 ش در مراسم افتتاح مجلس دوره بیست و چهارم، در سخنانی عنوان کرد که قصد دارد فرهنگ ایرانی را از عوامل بیگانه‌ای که در این فرهنگ راه یافته‌اند، نجات دهد. در این راستا، مجلس سنا و مجلس شورای ملی در یک اجلاس مشترک به ریاست جعفر شریف امامی تصویب کردند که مبدأ تاریخ، از هجری شمسی به شاهنشاهی تغییر یابد و آغاز سلطنت در ایران و جلوس کوروش هخامنشی به عنوان مبدأ تاریخ ایران عنوان گردید. این قانون ننگ‌آور با مخالفت و تحریم بسیاری از مردم و علما مواجه گردید و سرانجام با روی کار آمدن دولت عوام فریب شریف امامی و به منظور فریب افکار عمومی در شهریور 1357، ملغی شد. هرچند، کار رژیم از این نمایش‌های ساختگی گذشته بود و چیزی نمی‌توانست، انقلاب توفنده مردم مسلمان را از حرکت باز دارد.

* اعلام ملی شدن
کلیه معادن کشور (1359 ش)
اشاره:

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از معادن کشور توسط بخش خصوصی اداره می‌شد یا امتیاز آن در انحصار بیگانگان قرار داشت. با پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی، کلیه معادن کشور ملی اعلام شده و مطرح گردید که تحت هیچ عنوان به مالکیت بخش خصوصی تعلق نمی‌گیرند. به موجب این قانون، حق اجازه بهره‌برداری از معادن تنها در صلاحیت دولت قرار دارد و از سوی دولت به برخی بخش‌های دولتی نظیر استانداری‌ها واگذار می‌گردد، هر چند بخش خصوصی می‌تواند به عنوان مقاطعه‌کار در عملیات اکتشاف معادن شرکت نماید و با دولت قرارداد منعقد کند.

* درگذشت استاد علی اکبر کاوه؛ خوشنویس برجسته معاصر (1369 ش)
اشاره:

استاد علی‌اکبر کاوه فرزند مرحوم علی‌محمدخان شیرازی، در سال ۱۳۱۲ق در شیراز چشم به جهان گشود. چون از کودکی عشق و علاقه وافری به هنر خوشنویسی داشت، هر قطعه از خطوط استادان که به دستش می‌افتاد، از روی آن مشق و تمرین می‌کرد. پدرش به محض آگاهی از عشق او به خوشنویسی، وی را نزد استادان زمان گذاشت تا به تکمیل هنر خود بپردازد. کاوه سرانجام به مکتب آخرین استاد ارجمند خود میرزا محمدحسین (عمادالکتاب) راه پیدا کرد و از محضر این استاد گرانمایه بهره‌های فراوانی برد و از بهترین شاگردان او گردید. مرتبه هنر استاد کاوه تا به آن درجه رسید که مرحوم محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) در نامه‌ای وی را «میرعماد عصر» لقب داده است. نقطه عطف زندگی هنری استاد کاوه را باید در آشنایی با استاد عالی‌قدرش و بهره‌وری از تعالیم عالی او دانست، دیدار کاوه جوان و مشتاق با عمادالکتاب، مقارن با دوران کمال توانایی و اوج سیر تحول و تکامل هنری عمادالکتاب بود؛ کاوه در چنین احوالی و با اندوخته و تعالیمی که از محضر کاتب‌همایون و کاتب‌الخالقان، استادان توانای اواخر دوره قاجار حاصل کرده بود به محضر عمادالکتاب راه پیدا کرد.

او در این مرحله از خوشنویسی نیازمند به درک عمیق و تجربه فنی مطلوب از ساختارهای ترکیبی خط نستعلیق بود که بهره‌مندی از برش‌های مطلوب و شیوه شیرین استاد عالی‌مقام خود عمادالکتاب به دریافت‌های تکمیلی خویش، تعادل، لطف و ملاحظت بخشید. اندکی پس از درگذشت عمادالکتاب،

جمال خط کاوه به جوهره اصلی و سرشت ذاتی خود میل کرده و به گونه‌ای مستقل چهره می‌نماید. از سال ۱۳۳۰ش تا ۱۳۴۰ش، دوران شکوفائی و اوج قدرت و کمال هنر استاد کاوه است. سرپنجه شاهکار آفرینش، فارغ از تقلید و با اعتماد به خویش و متکی به نفس، قلم سحر را به جولان درمی‌آورد، تا جایی که زبان گویای بنان و جریان سوار مرکب بر کاغذ تحریرش، بیننده آگاه را مجذوب و منقلب می‌نماید.

استاد کاوه از سال ۱۲۹۸ش به سمت

منشی مخصوص در وزارت دارائی به خدمت مشغول شد و پس از چندی برحسب دعوت یحیی قراگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارائی به وزارت فرهنگ منتقل شد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل دارالفنون، ثروت، سیروس، کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا این‌که

بازنشسته گردید سپس بنا بر تقاضای اداره کل هنرهای زیبا، در کلاس آزاد هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر پرداخت. مرکز قلم استاد کاوه، مشقی،

دو تا چهار یا پنج میلی‌متری است و به‌واقع،

سیاه‌مشق‌های دلکش و پرجاذبه‌اش در

این اندازه از دانگ قلم، با تحسین و

اعجاب همگان همراه است. نمونه‌های بی‌نظیر این سیاه‌مشق‌ها، چشمان بیننده بصیر و آگاه به معیارهای زیباشناسی خط نستعلیق را خیره می‌سازد و به مرحله ناب و پریعار و خلوصی می‌رسد که دیده از دیدار و روح از حلاوت و شیرینی آن خط روحانی و معنوی،

سیر نمی‌شود.

استاد کاوه در سیاه‌مشق‌های خویش، استادی خود را به منصف ظهور رسانید و

علاوه بر آن، آثار خطی دیگری را به یادگار گذاشته است که عبارت‌اند از:

گلچین اشعار صائب، آیات منتخبه قرآن، تعلیمات دینی، صرف و نحو، بسیاری از

کتب درسی آن زمان و... استاد کاوه

با استفاده از طریقه مخصوص خود، در ۹ مورد

دستور تعلیمی، خط شکسته را به متعلم می‌آموخت و گذشته از این، در تعلیم خط به نوآموزانی که شیفته این هنر زیبا بودند تا سرحد توانایی می‌کوشید و در نهایت دلسوزی، ایشان را با رموز آن آشنا می‌کرده و به سرمنزل مقصود می‌رسانید. استاد علی‌اکبر کاوه در بعد اخلاقی، آئینه تمام‌نمای هنر خود به‌شمار می‌رفت.

او با خلق و خوئی آرام توأم با رعایت ادب

در برابر انسان‌ها از هر طبقه‌ای، فروتنی و تواضع داشت و سخنش در مصاحبه و محاوره با مردم به پیروی از همان آداب و نزاکتی بود که در خطش موجود است.

در مدت شصت سال ممارست و ریاضتی که استاد کاوه جان پاکش را با رنج‌پذیری

در کسب هنر جلاء و صیقل داد، شاگردان بسیاری نیز تربیت کرد و از خود به یادگار گذاشت که سرآمد آن‌ها بزرگانی چون فردای، معالی، حبیب‌الله فضائی، محمد سلحشور، سیف‌الله یزدانی، جهانگیر نظام‌العلماء، علی راهجیری و... بوده‌اند که هریک از آن‌ها خود

از هنرمندان و استادان معاصر به‌شمار می‌روند و کم و بیش در خلق آثار ارزشمند و

تربیت جوانان و شاگردان مستعد ایران‌زمین نقش به‌سزائی داشته‌اند.

* وزارت آب و برق یک قرارداد 380 میلیون ریالی با

دولت چک اسلواکی برای خرید و

نصب 47 دستگاه دیزل ژنراتور برق منعقد نمود(1349ش)

* عباس علی خلعتبری وزیر

امور خارجه در رأس یک هیئت عازم کابل شد(1353ش)

* رئیس جمهوری و

فرمانده کل قوای جمهوری عربی یمن وارد تهران شد.(1354ش)

* شهر قم در

تظاهرات خود قریب ده شهید و مجروح داد(1357ش)

* دولت دکتر جمشید آموزگار دبیر کل حزب واحد رستاخیز سقوط کرد و شاه استعفای او و وزیرانش را قبول کرد.(1357ش)

* شریف امامی از شاه اختیارات کامل گرفت و قرار شد شاه

در امور کشور

مداخله نکند و نام دولت خود را

(آشتی ملی) نهاد.(1357ش)

* 30 شوال در گذر تاریخ

* رحلت مجتهد اصولی و عالم و عارف بزرگوار آیت الله

«شیخ محمدتقی آملی» (1391 ق)

اشاره:

رحلت مجتهد اصولی و عالم و عارف بزرگوار آیت الله حکیم بزرگوار آیت الله شیخ محمد تقی آملی در حدود سال 1265 ش برابر با 1304 ق

در تهران متولد شد. وی قسمتی از دروس معقول و منقول را نزد پدرش آقا شیخ محمد آملی و میرزا حسن کرمانشاهی خواند و این دروس را نزد حاج شیخ عبدالنبی مجتهد نوری تکمیل نمود.

آیت الله آملی از آن پس به نجف رفت و در محضر درس میرزای نائینی، میرزا ابوتراب خوانساری، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، میرزا محمود قمی، سیدابوالحسن اصفهانی و آقاضیاءالدین عراقی به تکمیل فقه و اصول پرداخت تا به مقامات عالی علم و اجتهاد رسید. این عالم ربانی، در اخلاق نیز از محضر عارف کامل

حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبایی فیض گرفت و به مدارج بالای اخلاق و عرفان دست یافت. آیت الله آملی از آن پس در تهران اقامت گزید و به تدریس منقول و معقول اشتغال ورزید. این حکیم فرزانه، فقیهی گوشه نشین بود و از شهرت و مسئولیت ریاست اباء داشت به طوری که تا پایان زندگی، علی رغم داشتن صلاحیت علمی، حتی از نوشتن و چاپ رساله عملیه خود نیز خودداری نمود.

آیت الله محمدتقی آملی نزدیک به چهل سال در رأس آیات و مراجع بزرگ تهران به تدریس و ترویج دین اشتغال داشت. در محضر درس ایشان، شاگردان فاضلی پرورش یافتند که حضرات آیات: عبدالله جوادی آملی، حسن حسن زاده آملی و علامه محمدحسین تهرانی از آن جمله اند. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری در 2 جلد، کتاب الصلاة در 3 جلد، حاشیه بر شرح منظومه سبزواری در 2 جلد و شرح استدلالی بر عروة الوثقی از مهم ترین آثار آیت الله آملی هستند. سرانجام این حکیم وارسته و عارف الهی در 27 آذر 1350 ش برابر با 30 شوال 1391 ق در 85 سالگی دار فانی را وداع گفت و در تهران به خاک سپرده شد. * 27 آگوست در گذر تاریخ

* روز ملی و

استقلال «مولداوی» از

اتحاد جماهیر شوروی سابق (1991م)

* حفر اولین چاه نفت دنیا در آمریکا و آغاز عصر نفت (1859م)

* انتخاب شهر «قُسطنطنیه» به عنوان پایتخت قلمرو شرقی امپراتوری روم (326م)

* درگذشت «رینولد نیکلسون» مستشرق انگلیسی و مترجم مثنوی مولوی (1945م)

* پرتاب اولین سفینه فضائی برای تحقیق درباره سیاره زهره (1962م)

* مرگ «لوکور بوزیه»

بزرگ ترین معمار قرن بیستم (1965م)

* شهادت عالم مجاهد «سیدقطب» نویسنده و

مبارز مسلمان مصری (1966م)

اشاره:

سید قطب عالم مبارز مسلمان مصری در سال 1906م در این کشور به دنیا آمد و در کودکی حافظ کل قرآن شد. وی پس از طی تحصیلات ابتدائی خود عازم قاهره گردید و دوره دبیرستان و دانشگاه خود را در این شهر به پایان رساند. سید قطب در ابتدا با گرایش به چپ، فعالیت های اجتماعی و فرهنگی خود را آغاز کرد اما آشنایی با حسن البتاء، بنیان گذار سازمان اخوان المسلمین، مسیر زندگی وی را دگرگون ساخت و باعث شد که به آغوش اسلام

باز گردد. سید قطب پس از مدتی علاوه بر

طی تحصیلات جدید و فراگیری علوم اسلامی

به جرگه اعضای جنبش اخوان المسلمین پیوست. سید قطب چندی بعد به عنوان نظریه پرداز اخوان المسلمین مطرح شد و با زبان و قلم به نشر افکار و اندیشه‌های اسلامی همت گماشت. سید قطب پس از سفر به آمریکا و آشنایی با اوضاع و احوال و ماهیت سیستم حکومتی و

اجتماعی آن کشور کتابی به نام آمریکایی که من دیدم، نوشت و در آن، با ارائه چهره غیرانسانی امپریالیسم آمریکا، پرده از ماهیت ناهنجار و ضدانسانی نظام حکومت ایالات متحده برداشت. وی که مدت‌ها سردبیر نشریات و مدیر تبلیغات جمعیت اخوان المسلمین بود، در سال 1954 به جرم فعالیت‌های سیاسی توسط رژیم جمال عبدالناصر دستگیر و به حبس ابد محکوم گشت و در زندان از نوشتن و مطالعه محروم شد. با این حال، سید قطب پس از هشت سال محکومیت به دلیل ابتلاء به بیماری ریوی آزاد و بار دیگر به اتهام شرکت در یک توطئه براندازی، مجدداً دستگیر گردید. سید قطب این بار به مرگ محکوم شد و این متفکر و اندیشمند مسلمان سرانجام در 27 اوت 1966م همراه دو تن از یاران خویش به دار آویخته شد. از جمله معروف‌ترین آثار ارزشمند سید قطب که به فارسی نیز ترجمه شده است می‌توان از: ما چه می‌گوییم، عدالت اجتماعی در اسلام، اسلام و صلح جهانی و نیز تفسیر قرآن و... نام برد.